

شماره سوال	منبع پاسخ	صفحه	سطر	پاسخ صحیح	پاسخ تشریحی
۲۶	جزوه علم النفس کیهان	۱۰۹	۱	۱	<p>غریزه عبارت است از سازمان‌دهی محرک‌های بیرون‌زا و درون‌زا به شیوه‌ای نسبتاً ثابت. که اساس آن در یک نوع (مثلاً انسان، پرندگان و...) به صورت طبیعی وجود داشته و عنصر تجربه آن را غنی می‌سازد. غرائز ویژگی‌های طبیعی موجودات هستند که در میان اجناس مختلف آن‌ها از این لحاظ افتراق وجود دارد.</p> <p>امام (ع) بخل و جبن و حرص را غرایزی می‌داند که جامع آن‌ها بدگمانی به خداوند است و طی نامه‌ای به مالک اشتر وی را از مشورت با بخیل، جبان (ترسو) و حریص، منع می‌کند.</p> <p>بخل: عبارت است از خودداری از صرف مال در جایی که صرف کردن آن سزاوار است؛ همان‌گونه که اسراف عبارت است از دادن در آنجا که خودداری شایسته است و هردو آن‌ها مذموم و ناپسند است. فعل پسندیده در این میان عبارت است از جود و سخا که حد وسط آن دو به شمار می‌آید.</p> <p>حرص: خصوصیت روانی است که باعث جمع کردن چیزی است که مورد احتیاج حقیقی نبوده و فایده‌ای عملی برای داشتن آن وجود ندارد. مخالف حرص، قناعت نامیده می‌شود و قناعت ویژگی معتدل روانی انسان در جمع آوری مال و مایحتاج است. حرص از شعب و ردائل قوه شهویه محسوب می‌شود.</p> <p>جبن: جبن یعنی ترسویی و عبارت است از حرکت نکردن نفس به سوی انتقام و غیر آن در جایی که حرکت شایسته است. جبن جهت تفریط قوهی غضب است و حد افراطی آن تهور (بی‌باکی) است و حد وسط آن شجاعت نامیده می‌شود. در این مورد نیز باید گفت غریزه طبیعی غضب است که در اثر عوامل گوناگون دگرگون شده و به شکل جبن درآمده است.</p> <p>در کلام امیرالمومنین (ع)، صفات طبیعی، حتی زمانی که در اثر عوامل اکتسابی و ارادی تغییر شکل داده و در جهت غیرطبیعی و غیر معتدل خود نیز سیر می‌کنند، غریزه نامیده می‌شود.</p>
۲۷	جزوه علم النفس کیهان	۶۵	۱۱	۴	<p>نگاه‌های بر حدوث و بقای نفس</p> <p>۱. جسمانیة الحدوث و جسمانیة البقا: این حالت را تشبیه می‌کنند به آبی که در گل است. نفس هم با شکل گرفتن گل شکل می‌گیرد و گل هم که از بین رفت، همه چیزهای درونش از بین می‌رود. کسانی که به روح باور ندارند، این نگاه را دارند.</p> <p>۲. روحانیة الحدوث و روحانیة البقا: یعنی نفس چیزی است مجرد، روحانی، فوق عالم ماده است و از سنخ عالم ماده نیست. از همان اول بالاتر از عالم ماده بوده و در مقام بقایش هم همینطور مجرد است.</p> <p>۳. روحانیة الحدوث و جسمانیة البقا: انسان دارای روح است و پس از آنکه می‌میرد اگر خوب باشد روح درکالبد موجودی خوب و بالعکس ظاهر می‌شود و مکاتب هندی و معتقدین به تناسخ به این موارد اعتقاد دارند.</p> <p>۴. جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا: از ابتکارات دیگر ملاصدرا، نظریه حدوث جسمانی و بقای روحانی نفس (جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء) است. ملاصدرا معتقد بود ابتدای وجود جسمانی است و نفس در هنگام</p>

استعداد نطفه حادث می‌شود و با طی طریق خود و اخذ کمالات جدید، روحانی می‌شود؛ اولین مرحله عالم تجرد با آخرین مرحله مادیت همسایه‌اند. این نفس مجرد هم تا وقتی که دستش به ماده بند است، تلطیف می‌شود تا مجرد کامل شود و بعد که مجرد (روحانی) کامل شد از بدن جدا می‌شود و روحانی نیز باقی می‌ماند. این طی طریق نفس از حالات جسمانی به حالات روحانی جزئی از نظریه حرکت جوهری می‌باشد.					
بر اساس یک اصل فلسفی «اول الفکر آخر العمل» در هر کاری اول فکر و اندیشه است و به دنبال آن عمل، کشاورز وقتی می‌خواهد درختی بکارد اول به فکر میوه آن است و بعد درخت را کشت می‌نماید. پس می‌توان گفت عمل در واقع میوه درخت نیت است و این دو از این سبب شبیه هم هستند.	۴	-	-	بحار الانوار	۲۸
امام علی (علیه السلام) در حکمت ۲۳۵ «نهج البلاغه» به وصف عاقل می‌پردازد به این صورت که خدمتش عرض شد: عاقل را برای ما توصیف کن، فرمود: (عاقل کسی است که هر چیز را در جای خود قرار می‌دهد، گفته شد: جاهل را توصیف بفرما، فرمود: توصیف کردم؛ «وَقِيلَ لَهُ صِفْ لَنَا الْعَاقِلَ فَقَالَ (عليه السلام): هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ قَبِيلَ: فَصِفْ لَنَا الْجَاهِلَ، فَقَالَ: قَدْ فَعَلْتُ» در واقع امام (ع) در این گفتار حکیمانه تمام اوصاف عاقل و جاهل را خلاصه کرده است؛ عاقل کسی است که درباره هر چیزی می‌اندیشد و محل مناسب آن را بررسی می‌کند و سپس آن را در محل مناسب قرار می‌دهد، مثلاً اگر عبادتی انجام می‌دهد، هر کدام از اجزا و شرایط و واجبات و مستحبات آن را در جای خود به جا می‌آورد. همچنین حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: «نفوس آدمیان آزاد است؛ ولی دست‌های عقل زمام آن را گرفته و از سرکشی باز می‌دارد». مرحوم سید رضی در ذیل این کلام می‌گوید: (منظور امام (علیه السلام) این است که جاهل کسی است که هر چیزی را در جای خود قرار نمی‌دهد، بنابر این ترك وصف جاهل خود صفت او محسوب می‌شود، زیرا برخلاف وصف عاقل است؛ «قَالَ الرَّضِيُّ يَعْنِي أَنَّ الْجَاهِلَ هُوَ الَّذِي لَا يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ فَكَانَ تَرَكَ صِفَتِهِ صَفَةً لَهُ إِذْ كَانَ بِخِلَافِ وَصْفِ الْعَاقِلِ».	۲	-	-	نهج البلاغه	۲۹
در مورد انسان علاوه بر برخی غرایز که به نوعی اشتراک بین او و حیوانات وجود دارند، غرایز خاصی نیز وجود دارد که موجب تمایز بین انسان و حیوان می‌شود. این غرایز را اصطلاحاً <u>فطرت</u> می‌نامند. به عبارتی دیگر، فطرت غریزه خاص آدمی است. فرزند آدمی به هنگام تولد، دارای <u>ساخت روانی اولیه‌ای</u> است که اصطلاحاً به آن <u>فطرت</u> گفته می‌شود. یعنی انسان به هنگام تولد طبیعتاً و بالقوه از مجموعه‌ای از <u>دانش‌های غیر اکتسابی</u> برخوردار است. که این دانش‌ها در مراحل مختلف زندگی، بروز و ظهور یافته و نقش خود را در رفتار آدمی نشان می‌دهد؛ به مجموعه این دانش‌ها <u>دانش‌های غریزی یا فطری</u> گفته می‌شود. مفاهیم کهن الگوهای یونگ به نوعی دلالت بر وجود دانش فطری در نزد انسان است.	۲	۱۵	۲۰۹	جزوه علم النفس کیهان	۳۰
-	۲	-	-	-	۳۱
-	۲	-	-	-	۳۲
نیت در لغت به معنای قصد و عزم قلب آمده است، و در اصطلاح به تصمیم آگاهانه برای انجام یک عمل اطلاق می‌شود. حضرت علی (ع) در این باب می‌گوید: «النَّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ» (نیت زیر بنای عمل است)؛ و نیز «الاعمال ثمار النيات» (اعمال ثمره نيات هستند). هم چنین امام صادق (ع) علت	۲	۱۷	۱۰۱	جزوه علم النفس کیهان	۳۳

				دوام اهل جهنم را در جهنم و اهل بهشت را در بهشت، نیت آنان می‌داند. بنا بر نظر علامه مجلسی، نیت‌ها محصول حالات نفسانی‌اند.	
۳۴	جزوه علم النفس کیهان جزوه رشد کیهان	۱۰۹ ۲۴۱	۱۴ ۱	۴	فطرت، سازمان پویای روان آدمی است که بر اساس قوانین و دانشی خاص، محرک‌های عالم هستی را سازمان می‌بخشد. خداوند نیز در آیه‌ی «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَوِيمُ» (رو به دین معتدل آور، فطرتی که خداوند انسان‌ها را بدان فطرت آفرید. برای آفرینش خدا تبدیلی نیست، این است دین باقی خداوند و لکن اکثر مردم نمی‌دانند) به فطرت اشاره کرده است. انسان به هنگام تولد طبیعتاً و بالقوه از مجموعه‌ای از دانش‌های غیراکتسابی برخوردار است. که این دانش‌ها در مراحل مختلف زندگی، بروز و ظهور یافته و نقش خود را در رفتار آدمی نشان می‌دهد؛ به مجموعه این دانش‌ها دانش‌های غریزی یا فطری گفته می‌شود. مفاهیم کهن الگوهای یونگ به نوعی دلالت بر وجود دانش فطری در نزد انسان است. یونگ همچنین معتقد بود که در عمیق‌ترین لایه روان، یک ناخودآگاه جمعی وجود دارد که ارث برده می‌شود و تمامی نوع بشر در آن شریک هستند. ناخودآگاه جمعی از انرژی ذاتی فرد تغذیه می‌شود و به تمایلاتی که کهن‌الگوها (آرکی تایپ‌ها) نامیده می‌شوند، نیرو می‌بخشد و آنها را سازمان می‌دهد. افراد از طریق این تصاویر سعی می‌کنند تا عمیق‌ترین تمایلات و آرزوهای ناخودآگاه درونی خویش را ابراز کنند. کهن‌الگوها شامل تصاویری از مادر زمین، پیرزن خردمند، پیرمرد خردمند، حیوانات، تولد دوباره، مرگ و... هستند.
۳۵	جزوه علم النفس کیهان	۱۲۳	۱۳	۴	تاکید عمده‌ی اسلام در حفظ سلامت روانی و جسمانی انسان بر محور پیشگیری استوار است. درحالی که در روانشناسی امروز، تاکید بر آسیب شناسی و اختلال بیشتر است. بقیه موارد در روانشناسی امروز مورد غفلت است.
۳۶	جزوه علم النفس کیهان	۸۷	۱	۲	حضرت علی (ع): هیچ مالی چون عقل سودمند نیست و هیچ عقلی مانند تدبیر نمی‌ماند (لا مال اعود من العقل و لا عقل کالتدبیر). میدانیم که در نظر اندیشمندان مسلمان عقل سطوح مختلفی مانند هیولانی، بالفعل و ... دارد.
۳۷	جزوه علم النفس کیهان	۲۳	۱۱	۲	در اندیشه‌ی فارابی قوه‌ی ناطقه به دو بخش عقل عملی و عقل نظری تقسیم می‌گردد. در ادامه با تعریف هر یک از عقول و مراتب عقل نظری آشنا خواهید شد. عقل عملی: آدمی به وسیله عقل عملی اعمال جزئی انسانی، رفتارهای اخلاقی و کارهای صنعتی و حرفه‌ای را که انجام آن‌ها واجب است، استنباط می‌کند. این قوه در خدمت قوه نظری است. عقل نظری: این عقل، معقولات کلی مجرد (انتزاعی) را درک می‌کند و جوهر نفس، به واسطه آن، کامل و به جوهر عقلی بالفعل مبدل می‌گردد. عقل نظری خدمتگزار چیز دیگری نیست و برای رساندن انسان به سعادت، خلق شده است. فارابی نفس ناطقه را به آئینه، و عقل نظری را به صیقل آن تشبیه می‌کند.
۳۸	جزوه علم النفس کیهان	۹۰	۲۷	۲	در لغت عرب «عقل» به معنای «بند» و «بازداری» است. «عقل لسانه» به معنای جلوی زبان خود را گرفت و «معقل» به معنای دژ و بازو است که دشمن را از نفوذ باز می‌دارد. مقابل کلمه عقل در لغت عرب «جهل» است و جهل در اصل به معنای «عمل بدون تامل» یا «عمل نسنجیده» است.

اگر جهالت را به معنای عمل نسنجیده‌ای در نظر بگیریم که فرد مثلاً به سبب خشم یا شهوت یا شتاب‌گری به آن دچار می‌شود، در این صورت ضرورت توبه و اصلاح هر دو قابل فهم خواهند بود.					
علقه: از ماده‌ی علق به معنای چسبیدن یا تمسک جستن به چیزی است. علق معنای زالو و خون بسته شده نیز آمده است. در قرآن گفته شده خلق الانسان علق که به معنای همان خون بسته شده است. در این مرحله از رشد پیش از تولد، جنین به شکل یک توده سلولی وارد رحم می‌شود و به دیواره رحم می‌چسبد.	۲	۲۰	۱۰۲	جزوه علم النفس کیهان	۳۹
<u>عقل مستفاد</u> آن وقتی است که نفس واقعا و فعلا به مشاهده معقولات می‌پردازد. نفس می‌داند که بالفعل به تعقل آنها اشتغال دارد. عقل نظری در این مرتبه عقل مطلق می‌شود یعنی مطلق است که فعلیت یافته، چنانکه در مرتبه نخستین قوه مطلق یا قوه هیولانی بود.	۱	۹	۳۸	جزوه علم النفس کیهان	۴۰

### نتیجه ارزیابی:

تعداد کل سوالات درس علم النفس : ۱۵

تعداد سوالاتی که پاسخشان مستقیماً در جزوه کیهان بود: ۱۱

درصد پوشش‌دهی جزوات کیهان به سوالات این درس در این آزمون : ۷۳ درصد

پاسخ ها بر اساس آخرین ویراست جزوات سال ۱۴۰۳ روانشناسی کیهان استخراج شده است.

تاریخ برگزاری آزمون: ۴ اسفند

تاریخ تهیه گزارش: ۱۰ اسفند